



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مجموعه مباحث دفاع از پیامبر اعظم (ص)

توبه و عفو خسوف حرامی

علی اصغر رشیدانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

انتشارات مسجد مقدّس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه ناشر
۸	پیشگفتار
۸	بررسی مفهوم ترور
۹	اولین ترور در اسلام
۹	حکم ترور از دیدگاه شرع
۱۲	بررسی آیه ارهاب
۱۲	اقدام به جهت دفاع از جان
۱۲	توجیه برخی از ترورها
۱۳	اسلام و خشونت
۱۴	مفهوم خشونت
۱۴	انواع خشونت
۱۴	انواع خشونت
۱۴	۱ - مجازات و کیفر
۱۴	۱ - مجازات و کیفر
۱۴	ضرورت وجود مجازات در جامعه
۱۵	تبعیت احکام از مصالح
۱۶	مجازات و کرامت انسان
۱۶	۲ - خشونت در کشف جرم (شکنجه)
۱۶	۳ - جرایم اجتماعی
۱۶	۴ - انحرافات اجتماعی

- مبارزه ریشه‌ای با جرم و انحراف ۱۷
- مبارزه ریشه‌ای با جرم و انحراف ۱۷
- ۱ - تجدید هویت دینی ۱۷
- ۲ - اصلاح محیط ۱۷
- ۳ - رفع فاصله طبقاتی ۱۷
- ۴ - تحکیم نظام خانواده ۱۸
- ۵ - پیشگیری وضعی ۱۸
- ۶ - پیش بینی مجازات ۱۸
- نمودهای رحمت الهی در مجازات‌ها ۱۸
- نمودهای رحمت الهی در مجازات‌ها ۱۸
- ۱ - قاعده «دفع حدود به شبهه» ۱۸
- ۲ - احراز شرایط حدود ۱۸
- ۳ - پذیرش توبه ۱۹
- خشونت ها و مدارات‌های نیک ۱۹
- خشونت ها و مدارات‌های نیک ۱۹
- الف) خشونت‌های نیک ۱۹
- ب) مدارات‌های نیک ۲۰
- قتل فرزند توسط پدر ۲۱
- قتل فرزند توسط پدر ۲۱
- ۱ - مجازات، عامل بازدارنده ۲۱
- ۲ - جبران کنندگی بدون مجازات ۲۱
- ۳ - موقعیت پدر ۲۲
- ۴ - خداوند، سعادت انسان را می‌داند ۲۲
- فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران ۲۲

۲۴ پی نوشت ها

۲۴ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشونت طلبی

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۳- عنوان و نام پدیدآور: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشونت طلبی تالیف علی اصغر رضوانی مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۶۲ص. فروست: سلسله مباحث دفاع از پیامبر اعظم صل الله علیه و آله. شابک: ۲۵۰۰ ریال ۸-۰۰۲-۹۷۳-۹۶۴ وضعیت فهرست نویسی: فاپا یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Aliasghar Rezvani. Terrorism & violence یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: محمد(ص)، پیامبر اسلام ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- نظریه درباره خشونت شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم). رده بندی کنگره: BP۲۴/۹خ ۶ر ۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۱۴۸۸

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که پیروان ادیان و فرّق، در راستای اهداف خود دست به تبلیغ گسترده‌ای زده و با تمام امکانات دنبال اهداف باطل خود می‌باشند، بر پیروان راستین و حقیقی دین اسلام و مذهب حقه جعفری است که در این شلوغ بازار جهانی، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را بر مردم جهان عرضه نمایند. لذا بر آن شدیم تا سلسله مباحث دفاع از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به صورت مختصر خدمت مشتاقان حقّ و حقیقت عرضه نماییم، باشد که مورد رضای حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد. مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

پیشگفتار

«ترور» واژه‌ای است هراس انگیز و نفرت زاء، که با شنیدن آن فهرستی بلند از انواع مختلف خشونت‌ها، قتل‌ها و جنایت‌ها به ذهن انسان تداعی می‌کند. ترور به معنای مصطلح خود دیر بازی نیست که در قاموس لغات بشری راه یافته است، اما در همین مدت کوتاه آن چنان وجدان بشری را جریحه دار کرده که همه انسان‌ها در محکوم کردن آن هیچ تردیدی را به خود راه نمی‌دهند. جا دارد حکم این عمل را از دیدگاه اسلام مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

بررسی مفهوم ترور

«ترور» در لغت به معنای ترساندن، و تروریسم به معنای ارباب و تهدید، ایجاد ترس و وحشت میان مردم و تروریست به معنای طرفدار ارباب و تهدید، طرفدار حکومت زور معنا شده است. (۱) و اما در اصطلاح تا کنون تعریف جامعی از تروریسم نشده است. ولی در عین حال به برخی از تعاریف موجود در این زمینه اشاره می‌کنیم. ۱- در قطعنامه ۱۹۸۴ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل درباره تعریف تروریسم چنین آمده است: «فعالیت‌های مجرمانه و خشونت آمیزی که گروه‌های سازمان یافته برای ایجاد ارباب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب اهداف به اصطلاح سیاسی خود را میسر سازند». (۲) ۲- محمد حسین شاملو احمدی در این باره می‌نویسد: «تروریسم، مکتب خشونت و آدم‌کشی، به اعمال جنایتی اطلاق می‌شود که با هدف مقابله با کشورها و ایجاد رعب و وحشت در بین افراد یا گروه‌های معین یا عامه مردم، توسط گروه‌های تروریستی ارتکاب می‌شود». (۳) ۳- «ولف» فیلسوف آمریکایی می‌نویسد: «تروریسم عبارت است از به کار بردن غیرمشروع زور و خشونت برای رسیدن به اهداف خاص. لذا استفاده

مشروع از قدرت و زور داخل در مفهوم ترور نیست». (۴) ۴ - در فرهنگ علوم سیاسی، ترور چنین تعریف شده است: «ترور به معنای وحشت و ترس زیاد است. اصطلاحاً به حالت وحشت فوق‌العاده اطلاق می‌شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خون‌ریزی از سوی یک گروه، حزب یا دولت به منظور نیل به هدف سیاسی، کسب یا حفظ قدرت است». (۵)

اولین ترور در اسلام

در مورد این که اولین تروری که در اسلام اتفاق افتاد، نسبت به چه کسی بوده، اختلاف است. برخی اولین فردی که مورد ترور واقع شده را عمر بن خطاب می‌دانند، ولی حقّ این است که اولین شخص ترور شده سعد بن عباده می‌باشد. او کاندید از طرف انصار برای مقام خلافت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، ولی با مخالفت عده‌ای و در رأس آن‌ها عمر بن خطاب به مقام خلافت نرسید. طبری و دیگران روایت کرده‌اند که سعد بن عباده را تا چند روزی رها کردند سپس کسی را به دنبال او فرستادند که باید به مسجد آمده و بیعت کنی؛ زیرا مردم و قوم تو بیعت نموده‌اند. او در جواب گفت: «آگاه باشید! به خدا سوگند بیعت نمی‌کنم تا با شما به آنچه از کمان دارم بجنگم و سر نیزه خود را به خون شما سیراب نمایم و با اهل بیت خود و هر آن که از قومم در طاعت من می‌باشند، با شما به قتل پردازم. به خدا سوگند! اگر جن و انس با هم جمع شوند، من با شما بیعت نخواهم کرد تا بر خدای خود وارد شوم و بدانم که حسابم چیست». چون خبر به ابوبکر رسید، عمر به او گفت: سعد را رها نکن تا بیعت کند. بشیر بن سعد به ابوبکر گفت: او لجاجت کرده و امتناع نموده است. او با شما بیعت نخواهد کرد تا کشته شود، و کشته نمی‌شود تا با او فرزند و اهل بیت و طایفه‌ای از عشیره‌اش کشته شوند، لذا چاره‌ای نیست جز آن که او را رها کنید و این کار به شما ضرری نمی‌رساند؛ زیرا او یک نفر است. او را به مشورت بشیر بن سعد رها کردند، ولی سعد بن عباده در نمازها و جماعت‌ها و حج آنان شرکت نمی‌کرد و این گونه بود تا ابوبکر از دنیا رفت (... ۶) بلاذری می‌نویسد: سعد بن عباده با ابوبکر بیعت نکرد و به شام رفت. عمر کسی را به سوی او فرستاد که هر طور شده او را به بیعت دعوت کند و در صورت امتناع با استعانت از خدا کار او را تمام نماید. آن شخص به شام آمد و سعد را در بستانی در حلب مشاهده کرد. ابتدا او را دعوت به بیعت نمود. سعد گفت: من هرگز با شخص قرشی بیعت نخواهم کرد. آن شخص گفت: تو را خواهم کشت. سعد گفت: گرچه مرا به قتل رسانی. او گفت: آیا از آنچه ائمت در آن وارد شده خارج می‌شوی؟ سعد گفت: از بیعت آری، من خارج می‌شوم. در آن هنگام بود که آن شخص تیری به سعد زده و او را به قتل رسانید. (۷) آری، این اولین تروری بود که در اسلام اتفاق افتاد.

حکم ترور از دیدگاه شرع

اقدامات تروریستی بر ضدّ عموم مردم؛ اعم از افراد یا گروه و سازمانی که با اهداف سیاسی به طور مستقیم، جان، مال، ناموس و آبروی مردم بی‌گناه و زنان و کودکان و ... را مورد حمله قرار می‌دهد، با هر هدفی که سازمان‌دهی شود، از نظر وجدان بشری محکوم است و مصداق تروریسم محسوب می‌شود. در اسلام حتی در دفاع مشروع، کشتن افراد بی‌گناه، تعقیب فراریان، کشتن اسیران، زنان، کودکان، تخریب جنگل‌ها، درختان، آلوده کردن آب‌ها، تعرّض به ناموس مردم و پرده‌داری مجاز شمرده نشده است. در کتاب‌های حدیثی و تاریخی به ممنوع بودن این گونه اقدامات غیرانسانی حتی در دفاع‌های مشروع تصریح شده است. اینک به نمونه‌هایی در این مورد اشاره می‌کنیم: ۱ - در روایات فریقین شیعه و سنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «الإیمان قتیّد الفتک»؛ (۸) «ایمان از ترور جلوگیری کرده است». ۲ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هنگامی که می‌خواست سپاهی را برای جنگ اعزام نماید آن‌ها را فرا خوانده، در برابرشان می‌نشست و می‌فرمود: «سیروا بسم الله و بالله و فی سبیل الله، لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تغدروا و لا تقتلوا شیخاً فانیاً و لا صبیّاً و لا امرأة و لا تقطعوا

شجراً الا أن تضطروا اليها»؛ (۹) «با نام خدا و برای خدا و در راه خدا سفر را آغاز کنید، نیرنگ و حقه نزنید. کشته‌ها را مثله نکنید. سالخورده‌گان، کودکان و زنان را نکشید. و درختی را نبرید مگر این که مجبور شوید.» ۳ - و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «نهی رسول الله ان یلقى السم فی بلاد المشرکین»؛ (۱۰) «رسول خدا صلی الله علیه وآله از ریختن سم در سرزمین مشرکین نهی کرده است.» ۴ - حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین به نیروهای خویش چنین سفارش کرد: «هرگز با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنان آغازگر جنگ باشند. فراریان را نکشید و بر زخمیان نتازید. هتک حرمت و عورت نکنید. از مثله کردن پرهیزید. وارد خانه‌های آنان مشوید. بر زنان حمله نبرید. و به کسی دشنام ندهید.» (۱۱) ۵ - مورخان نقل کرده‌اند که چون مسلم بن عقیل خبردار شد که ابن زیاد در خطبه‌ای که ایراد کرده، مردم را از متابعت او برحذر داشته است، لذا ترسید که او را دستگیر کرده و به قتل برسانند. از این رو از خانه مختار بعد از مغرب خارج شد و به خانه هانی بن عروه مدحجی پناه برد. او در تشیع مردی قوی و متعصب بود و از اشراف کوفه و قاریان آن دیار و شیخ عشیره مراد و زعیم آن به حساب می‌آمد. او چهار هزار زره‌پوش و هشت هزار پیاده نظام داشت و هر گاه هم پیمانان او را نیز ضمیمه آنان کنیم به حدود سی هزار نفر جنگجو می‌رسد که رئیس آنان هانی بن عروه بود. او از خواص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به حساب می‌آمد که در هر سه جنگ حضرت شرکت کرده بود. و نیز عصر پیامبر صلی الله علیه وآله را درک کرده و به شرف صحبت و همنشینی با آن حضرت نایل گشته بود. مسلم بن عقیل در خانه هانی پناه گرفت. از طرف دیگر شریک بن عبدالله اعور حارثی نیز بر هانی وارد شده بود. او از بزرگان شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در بصره بود. مردی جلیل‌القدر در بین اصحاب به شمار می‌آمد که در صفین حضور داشته و به همراه عمار بن یاسر می‌جنگید. او با هانی بن عروه رفاقت خاصی داشت. در منزل هانی مرض سختی بر او عارض شد. ابن زیاد به عیادت او آمد قبل از آمدن ابن زیاد شریک بن عبدالله اعور به مسلم عرض کرد: هدف تو و شیعیان تو هلاکت ابن زیاد است، در اتاق خزانه مخفی شو و هر گاه از آمدن او اطمینان حاصل کردی از اتاق خارج شو و او را به قتل برسان و من سلامت تو را ضمانت می‌کنم. در این هنگام که آنان مشغول صحبت بودند، گفته شد که امیر بر در خانه است. مسلم وارد خزانه شد و بعد از چند لحظه عیب‌الله بن زیاد وارد بر شریک شد، ولی مسلم از خزینه بیرون نیامد. چون شریک مشاهده کرد که مسلم دیر کرده به عنوان علامت دادن به او چند بار عمامه خود را از سر برداشته و بر زمین گذارد. و نیز با قرائت اشعاری او را به خروج از خزانه و حمله به ابن زیاد تحریک و تحریص نمود. مکرر اشعار را قرائت می‌کرد و چشمش را نیز به خزانه دوخته بود. آن گاه با صدای بلند که مسلم بشنود، گفت: او را سیراب کن گر چه مرگ من در آن باشد. در این هنگام عیب‌الله به هانی التفات کرد و گفت: پسر عموی تو در مرضش هذیان می‌گوید. هانی گفت: شریک از زمانی که مریض شده هذیان می‌گوید، خودش نمی‌داند چه می‌گوید. ابن زیاد از مجلس خارج شد و مسلم متعزز قتل او نشد. در این جا سؤالی که مطرح است این که چرا حضرت مسلم به قرار خود عمل نکرد و ام‌الفساد ابن زیاد را که در قتل امام حسین علیه السلام دخالت داشت به قتل نرسانید؟ و به تعبیر دیگر چرا قصاص قبل از وقوع جنایت نکرد؟ در مورد سؤال مورد نظر پاسخ‌هایی داده شده که به آن‌ها اشاره می‌کنیم: اولاً: از آنجا که پیامبر صلی الله علیه وآله از حيله و مکر نهی کرده، لذا حضرت مسلم از این طریق برای مبارزه با ابن زیاد استفاده نکرد. در حدیثی حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «ان الاسلام قیّد الفتک»؛ (۱۲) «همانا اسلام مانع حيله و مکر بوده و آن را غل کرده است.» ثانیاً: این کار با سیره و روش مسلم سازگاری ندارد؛ زیرا او مردی باور و باتقوا است و در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام تربیت شده است. وظیفه مسلم که از طرف امام حسین علیه السلام نسبت به آن مسؤلیت دارد این است که از مردم برای حضرت بیعت بگیرد و از حوادث کوفه اطلاع یافته و امام را از آن باخبر سازد. و لذا اگر دست به قتل ابن زیاد می‌زد از حیطة وظایف خود خارج می‌شد. ثالثاً: حضرت مسلم ملاحظه می‌کرد که وظیفه‌اش بیداری مردم است، اگر بدون بیداری امت، ابن زیاد و امثال او را به قتل رساند همین مردم دوباره شخصی دیگر مثل او یا از او بدتر را بر سر کار می‌آوردند. مردم خود باید آگاه شوند و از فساد خلیفه مطلع

گردند. و این هدف با ترور یک فرد حاصل نخواهد شد. و لذا در هیچ نصّ تاریخی ذکر نشده که حضرت مسلم طرح شریک را پذیرفته باشد. چه بسا مسلم در صدد فکر کردن درباره طرح او بوده، ولی قصد قطعی برای اجرای آن نداشته است. رابعاً: با نظر و تأمل در قضیه پی می‌بریم که در حقیقت، گویا هانی بن عروه به ابن زیاد پناه و امان ضمنی داده بود؛ زیرا ابن زیاد به او خبر داد که می‌خواهد به عیادت شریک بیاید و او نیز ابن زیاد را اجازه داد و این خود یک نوع امان لفظی و قولی به ابن زیاد از جانب هانی به حساب می‌آید. و در این گونه موارد، اسلام انسان را مقتید ساخته تا کسی را که دیگری امان داده، به قتل نرساند، گرچه شخصی فاجر و فاسق و اّم‌الفساد باشد. خصوصاً آن که این شخص در خانه دیگری است و همسر او به این عمل رضایت نداده بلکه از او تقاضای صرف نظر از کشتن او را کرده و بر این امر اصرار می‌ورزد که در خانه او این قتل انجام نگیرد. ۶ - کشی در ترجمه حدیفة بن منصور به سندش از عبدالرحمن بن حجاج نقل کرده که گفت: ابوالعباس از فضل بقباق خواست تا برای حریر بن عبدالله سجستانی از امام صادق علیه السلام اذن بگیرد تا بر حضرتش وارد شود، حضرت به او اذن ورود نداد. دوباره خواست تا از حضرت برای او اذن بگیرد ولی به او اذن نداد. فضل بقباق به حضرت عرض کرد: چه چیزی است برای کسی که به درجه عقوبت غلامش برسد؟ حضرت فرمود: این قدر و اندازه گناهش می‌باشد. فضل عرض کرد: به خدا سوگند شما بیش از آن کاری که حریر انجام داده او را عقوبت کردید. حضرت فرمود: «ویحک ائی فعلت ذلک؟ انّ حریراً جرّد السیف»؛ (۱۳) «وای بر تو، من این چنین کرده‌ام؟ همانا حریر کسی است که شمشیر کشیده است.» نجاشی در ترجمه حریر بن عبدالله سجستانی می‌گوید: «او از اهالی کوفه بود که بسیار سفر به سجستان به جهت تجارت می‌کرد و لذا سجستانی معروف شد ... او از جمله کسانی بود که در سجستان شمشیر کشید و خوارج را به قتل رساند و این کار در زمان حیات ابی عبدالله (امام صادق علیه السلام) بود. و روایت شده که حضرت به او بی‌اعتنایی کرده و او را از خودش دور کرد. خوارج گرچه کسانی بودند که استحقاق قتل را داشته و لذا حضرت علی علیه السلام تعداد بسیاری از آنها را کشت، ولی از آنجا که حریر آنها را ترور می‌کرد لذا حضرت به جهت تأدیب، او را به نزد خود راه نداد. و چون حریر این حرکت را از امام دید، از کرده خود پشیمان شد. ۷ - ابن سعد در کتاب «الطبقات الکبری» درباره کیفیت اسلام آوردن مغیره بن شعبه از قول او می‌نویسد: «ما قومی از عرب بودیم که به دین خود پای‌بند بوده و خادم بت (لات) بودیم. با خود گفتیم که اگر قوم ما اسلام آورد من از آنها پیروی نکنم. پس جماعتی از بنی مالک همراه با هدایایی قصد وارد شدن بر مقوقس را داشتند. من قصد کردم که با آنها از شهر خود خارج شوم. با عمویم عروه بن مسعود که مشورت کردم او مرا از این کار نهی نمود و گفت: از فرزندان پدرت کسی همراه تو نیست. من اصرار بر خارج شدن داشتم و لذا همراه با آنان به تنهایی از شهر خارج شده و به اسکندریه وارد شدیم. به نزد مقوقس رفتم، وقتی مرا دید نشناخت و لذا از من سؤال کرد و بعد از شناسایی از ما پذیرایی نمود و سپس دستور داد تا بر او وارد شویم. ابتدا به سرپرست بنی مالک که من همراه او آمده بودم نظر افکند و او را در کنار خود جای داد، و از او سؤال کرد: آیا همه شما از بنی مالک هستید؟ او گفت: آری، به جز یک نفر که از هم پیمانان ما است، و مرا به او نشان داد. در آن هنگام مشاهده کردم که من خوارترین افراد به نزد اویم. او دستور داد تا هدایایی را به نزد آنها گذاشتند و برخی را بر برخی دیگر برتری داد، ولی در حقّ من کوتاهی کرد و تنها هدیه کمی به من داد که قابل ذکر نبود. ما همگی از نزد پادشاه بیرون آمدیم. بنی مالک با آن اموال مشغول خریدن اجناس برای اهل بیت خود برآمدند و همگی از این امر خوشحال بودند، ولی من قصد کشتن آنها را کردم ... چون به «بُساق» رسیدیم، خودم را به بیماری زدم و سر خود را پوشاندم. آنان به من گفتند: تو را چه شده است؟ گفتم: سرم درد می‌کند. لذا آنها مرا رها کرده و مشغول شراب خوری شدند. من به آنها گفتم: گرچه سرم درد می‌کند، ولی می‌نشینم و شما را از شراب سیراب می‌کنم. آنان پذیرفتند. من هم شراب پیاپی به آنها دادم تا آن که مست لا یعقل به خواب رفتند، من هم حمله برده و همه آنها را به قتل رساندم و سپس تمام هدایای شان را به غارت بردم. آن‌گاه مستقیماً با لباس سفر وارد مدینه شده و خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله رسیدم. مشاهده کردم که در مسجد با اصحاب خود نشسته‌اند. بر آن

حضرت به تهیت اسلام، سلام دادم. ابوبکر بن ابی قحافه به من نظر کرد و او مرا می‌شناخت، گفت: تو فرزند برادر عروه هستی؟ گفتم: آری، آمده‌ام تا شهادتین بگویم. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: حمد خدایی را سزااست که تو را به اسلام دعوت کرد. ابوبکر گفت: آیا از مصر آمده‌ای؟ گفتم: آری. گفت: مالکیون که با تو بودند، چه کردند؟ گفتم: بین من و آن‌ها از آن کارهایی که بین عرب اتفاق می‌افتد، انجام شد، در حالی که ما بر دین شرک بودیم و من همه آنان را به قتل رساندم و اموالشان را به غارت برده و به نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آوردم تا آن‌ها را تخمیس کرده، یا نظر خود را درباره آن‌ها بگویند؛ زیرا این‌ها غنایمی از مشرکین است و من هم مسلمان شده‌ام و به محمد صلی الله علیه وآله ایمان آورده‌ام. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: اسلام تو را قبول کردم، ولی چیزی از اموال آن‌ها را بر نمی‌دارم و تخمیس نیز نمی‌کنم؛ زیرا این کار حیل است و در حیل خیری نیست (۱۴...)

بررسی آیه ارباب

برخی به آیه ارباب تمسک کرده و حکم به جواز ترور دشمنان اسلام داده‌اند تا در آن‌ها ایجاد خوف و وحشت نموده، دست از دشمنی با اسلام و مسلمین بردارند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسِيَّتَعْتُم مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مَن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛ (۱۵) «هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده سازید و (همچنین) اسب‌های ورزیده، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد. و هر چه در راه خدا انفاق کنید به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد.» در توجیه آیه فوق می‌گوییم: آیه امر به آماده کردن جنگ جویان فقیر از سوی ثروتمندان دارد؛ زیرا هنگامی که دشمنان مشاهده کنند مسلمانان از لحاظ جنگی و لجستیکی در آمادگی کامل به سر می‌برند هیچ گاه قصد تعرض به مسلمانان نمی‌کنند. فخر رازی در تفسیر آیه فوق می‌گوید: «هنگامی که کافران بدانند، مسلمانان آماده جهاد و مستعد بر آیند و تمام انواع اسلحه و ادوات جنگی را آماده کرده‌اند از آنان می‌ترسند. و این خوف مفید اموری چند است: ۱- هرگز به فکر اشغال بلاد اسلامی نمی‌افتند. ۲- چون ترسشان شدید شود چه بسا از ناحیه خود به جزیه تن در دهند. ۳- چه بسا این خوف سبب پذیرش اسلام آن‌ها شود. ۴- به فکر کمک به دیگر کفار نمی‌افتند. ۵- این سبب می‌شود که در بلاد اسلامی ملاحظاتی داشته باشند.»

اقدام به جهت دفاع از جان

گرچه اطلاق برخی از روایات دلالت دارد بر این که نباید متعرض زنان و کودکان شد ولی این نکته قابل توجه است که اطلاق روایات مربوط به شرایط عادی و عدم اضطراب است و گرنه در صورتی که دفاع و دفع دشمن از تعرض به اسلام و مسلمین، بر این امر توقف داشته باشد، این کار جایز است. لذا در روایت حفص بن غیاث آمده است که او گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد شهری از شهرهای کفار جنگی پرسیدم: آیا می‌شود آب را بر روی آن‌ها رها کرد؟ یا آن را به آتش کشید؟ و یا با منجنیق آن‌ها را در هم کوبید در حالی که در میان آنان زنان و کودکان و سالخوردگان و اسیران مسلمان و بازرگانان وجود دارند؟ حضرت فرمود: این اقدامات انجام می‌گیرد و به خاطر آن‌ها از این کارها اجتناب نمی‌شود (۱۶...)

توجیه برخی از ترورها

در تاریخ صدر اسلام ترورهایی انجام گرفته است که احتیاج به بررسی دقیق دارد اینک به این موارد اشاره می‌کنیم: ۱- ابو عفک؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله با یهود قرارداد ترک مخاصمه و عدم تعرض به یکدیگر بسته بود، ولی یهود قبل از جنگ بدر بر ضد رسول خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان توطئه کرده و متعرض انواع اذیت‌ها بر آنان می‌شدند. «ابو عفک» یهودی از جمله کسانی است که با اشعار خود مردم را بر ضد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شوراند. سالم بن عمیر نذر کرد که او را به قتل رسانده یا خودش بر سر این کار بمیرد، لذا رفت و او را به قتل رسانید. (۱۷) مشخص است که این قتل از جهاتی قابل توجیه است: اولاً: این قتل و ترور از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و آله یا به امر او نبوده است. ثانیاً: این عمل بعد از نقض عهد و پیمان از ناحیه یهود انجام گرفته است؛ زیرا همان گونه که گفته شد، مسلمانان و یهود پیمان بسته بودند که هیچ گونه تعرضی نسبت به یکدیگر نداشته باشند. ۲ - عصماء دختر مروان؛ برخی از مورخین می‌گویند: چون «ابو عفک» کشته شد، «عصماء دختر مروان» از این امر ناراحت شد و شروع به عیب‌گویی بر علیه اسلام و مسلمین کرد و انصار را به جهت پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله توییح نمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله را با شعر هجو و مسخره کرده و مردم را بر ضد آن حضرت تحریک نمود، و این کار تا بعد از جنگ بدر ادامه داشت. «عمیر بن عوف» که چشمانش کم دید بود، او را با جست و جو توسط دوستانش پیدا کرد و بعد از جدا کردن بچه شیر خوارش که مشغول خوردن شیر از پستان او بود، با فرو بردن شمشیر در سینه‌اش او را به قتل رسانید (... ۱۸) این قصه از جهاتی قابل تردید و مناقشه است: اولاً: این عمل از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و به امر او نبوده است. ثانیاً: عمیر بن عوف که چشمانش کم دید بوده، چگونه دست به این عمل ظریف و دقیق آن هم در شب تاریک زده، به طوری که اصلاً عصماء نفهمیده است. ثالثاً: غالب مورخان این قصه را نقل نکرده‌اند. ۳ - کعب الأشرف؛ ابن اسحاق می‌نویسند: خبر شکست مشرکان در بدر و کشته شدن تعدادی از آنان و گریه مردم بر کشته شدگان خود، بر «کعب الأشرف» گران تمام شد، لذا شروع به مسخره کردن پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب او به شعر نمود. او زنان مسلمان و حتی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را با شعر هجو و توهین می‌کرد و آنان را از این طریق اذیت و آزار می‌نمود. (۱۹) سپس به سوی مکه رفت و مردم آنجا را بر ضد رسول خدا صلی الله علیه و آله تحریک نمود و از آنجا خارج نشد تا این که آنان را بر جنگ با رسول خدا صلی الله علیه و آله متفق القول کرد و حتی در جواب ابوسفیان که از او پرسیده بود: دین ما بهتر است یا دین محمد و اصحاب او؟ او دین مشرکان را ترجیح داد. (۲۰) چون کعب الأشرف به مدینه بازگشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنی فرمود که برخی از صحابه؛ همچون محمد بن مسلمه لزوم کشتن او را فهمیدند، لذا او با ابونائله که برادر رضاعی کعب الأشرف بود، با طراحی خاصی کعب را به قتل رساندند. در توجیه این قتل می‌گوییم: اولاً: قتل او ترور به حساب نمی‌آید؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به طور علنی اعلام کرده بود، در حالی که در ترور عنصر پنهان کاری نهفته است. ثانیاً: همان گونه که اشاره شد، کعب دائماً در صدد توطئه بر ضد اسلام و مسلمین و پیامبر صلی الله علیه و آله بود و در حقیقت در حال جنگ با مسلمانان بود. ۴ - ابو رافع؛ در سال سوم یا چهارم و بنا بر نقلی، بعد از واقعه احد ابو رافع بن حقیق که از یهود بود، در خیبر شبانه به توسط پنج یا هشت نفر که در میان آن‌ها عبدالله بن عتیک بود، به قتل می‌رسد. و جهت کشتن او به توسط مسلمانان این بود که او همکار کعب بن الأشرف در دشمنی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و اذیت و آزار او بود، لذا مسلمانان مصلحت دیدند که او را از پای در آورند؛ زیرا او و کعب الأشرف و امثال آن دو از اظهر مصادیق محاربین و نقض کنندگان عهد و پیمان به حساب می‌آمدند شاهد این مطلب این که: اولاً: همسر کعب الأشرف او را از این گونه اعمال بر حذر می‌داشت و به او می‌گفت: تو با این کارت جنگ طلب هستی. ثانیاً: به همین جهت بود که یهود لازم دیدند تا بار دیگر عهد و پیمانی را که نقض کرده بودند، تجدید کرده و بار دیگر نزد امام علی بن ابی طالب علیه السلام پیمان جدیدی امضا کنند. (۲۱)

برخی از روشن فکر نماهای غرب زده با مشاهده بخشی از احکام جزایی و قوانین کیفری اسلام، از آنجا که به فلسفه و حکمت آن پی نبرده‌اند، درصدد حمله به آن‌ها و به استهزا و مسخره کردن این احکام برآمده و معتقدند که این گونه احکام دارای خشونت بوده و با حقوق مسلم بشر سازگاری ندارد. اینک جا دارد مفهوم خشونت را بررسی کرده و احکامی که مصداق آن دانسته‌اند را نیز مورد بحث قرار دهیم. و بررسی کنیم که آیا خشونت در اصل خوب است یا بد.

مفهوم خشونت

خشونت عبارت است از اقدام علیه جسم و جان، شرف، مال و حقوق افراد، به طوری که ایجاد ترس نماید. و اقدام، شامل اقدام فیزیکی؛ مانند ضرب و جرح و قتل و همچنین اقدام معنوی نیز شامل توهین و تهدید می‌شود. بعلاوه اقدامات قانونی و غیرقانونی که دارای این خصوصیات است از آن جهت که اقدام علیه افراد بوده و در آنان ایجاد ترس می‌نماید می‌توانند از مصادیق لغوی خشونت باشند. البته در لغت معنای متعددی برای این لفظ شده است. خشونت کردن به معنای درشتی، تندی کردن، ضدّ لینت و نرمی، خشم، غضب و ... که از خفیف ترین مصادیق خشونت به معنای رایج امروزی است. (۲۲)

انواع خشونت

انواع خشونت

خشونت انواع و اقسامی دارد که برخی از آن‌ها صحیح و معقول بوده و برخی دیگر نیز ناصحیح است. اینک به انواع آن با تحلیل هر یک اشاره می‌کنیم:

۱ - مجازات و کیفر

۱ - مجازات و کیفر

مجازات، آزاری است که قاضی به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه برای شخص که مقصر است بر طبق قانون تعیین می‌کند. آزار را که صدمه به حقی از حقوق مجرم می‌آورد نباید هدف مجازات تلقی کرد. هدف مجازات، اصلاح مجرم و دفاع از عدالت است. آزار، وسیله نیل به این هدف عالی است. مجازات را قاضی در حدودی که قانون مطرح و معلوم نموده تعیین می‌کند. مجازات ضامن اجرای قواعد مربوط به نظم عمومی است (... ۲۳) به تعبیر دیگر: مجازات، واکنش جامعه در قبال پدیده مجرمانه است، و از دیدگاه حقوق جزا عبارت است از تحمیل و واکنش اجتماعی به صورت رنج و تعب بر بزهکار. (۲۴) تصور مجازات بدون ایجاد هیچ محدودیت و مزاحمتی برای مجرم، با مفهوم و فلسفه مجازات سازگاری ندارد. لیکن نوع، میزان و کیفیت مجازات باید طوری باشد که اصلاح مجرم و پیشگیری عام و خاص را در حدّ امکان موجب شود. در اسلام هدف از اعمال مجازات، اصلاح فرد و جامعه بوده و هیچ گاه هدف نبوده است.

ضرورت وجود مجازات در جامعه

قانون گذار دینی به منزله طبیب حاذقی است که هدف او معالجه امراض مردم است. هر گاه عضوی از اعضای بدن انسان به مرضی مبتلا شود آن طبیب در مقام معالجه برمی‌آید. و اگر قابل معالجه نباشد در صورتی که به اعضای دیگر سرایت نکند و لطمه‌ای به دیگر جای بدن نزند آن را به حال خود می‌گذارد؛ مانند فلج شدن، ناشنوایی، نابینایی و ... و اگر به سایر اعضای دیگر بدن سرایت

کند و موجب هلاکت آن شود ناچار باید آن را قطع کند؛ زیرا فاسد شدن تمام بدن سخت تر و بدتر از قطع شدن عضوی از آن است. اسلام نیز که برای معالجه و شفای کلیه امراض روحی همچون: شرک، کفر، ضلالت، اخلاق رذیله و اعمال سیئه در مقام راهنمایی و هدایت جمیع مردم برمی آید؛ چنان که در جمله «هُدًى لِّلنَّاسِ» آمده است، و اگر قابل هدایت و معالجه نیستند و در مقام اضرار و افساد و اضلال دیگران نیز نمی باشند با آنان از طریق صلح و مسالمت رفتار می کند، و گرنه چاره‌ای جز قتل و قمع آنان نیست. و از این جهت دین اسلام در بسیاری از معاصی و ترک واجبات، حدّ و تازیانه‌ای قرار داده تا شخص معصیت کار را از نافرمانی برهاند و از فساد دور سازد و راه توبه را باز نموده و به حکم عقل واجب فرموده تا به خدا باز گردند. و اگر بعد از سه مرتبه معالجه نشدند و باز گشت نمودند، حکم قتل را صادر می کند. بلکه در مواردی همان حدّ اول را قتل و رجم و اعدام قرار داده است. همه این احکام به این جهت است که فساد به دیگران سرایت نکند و جامعه به فساد و تباهی کشیده نشود. مشاهده می کنیم امروز که حدود الهی در ممالک اسلامی جاری نمی شود چه مقدار فساد شایع شده و به همه طبقات سرایت کرده است.

تبعیت احکام از مصالح

شارع مقدس هیچ حکمی را بدون دلیل و مصلحت مطرح نکرده است. باید عواطف و احساسات در شناخت این مصالح سایه نیفکند و نباید اهداف مهم و طولانی مدت را فدای یکسری مصلحت سنجی های موقتی کرد. و لذا در آیات قرآن خصوصاً در زمینه احکام جزایی، سخن با «اولی الالباب»؛ صاحبان خرد است نه عواطف و احساسات. تفسیر و تبیین هر فلسفه‌ای باید بر اساس مصالح فردی و اجتماعی؛ اعم از دنیوی و اخروی صورت پذیرد، امری که فقط شارع می تواند به آن جامه عمل بپوشاند. این احکام در یک نگاه می توانند خشن باشند، ولی در نگاه دیگر عین رحمت الهی هستند. همانند پدری که بر فرزند خویش خشم می کند چون او را دوست دارد و به آینده او علاقه مند است. اگر خلافی کند ناراحت می شود و گاهی نیز رفتار تند از او سر می زند. و حال آن که چه بسا رفتاری ناهنجار تر از دیگران ببیند و آن قدر ناراحت نشود. این نحوه برخورد ناشی از علاقه به فرزند و عدم توجه به دیگران است. آنچه باید مدّ نظر باشد این است که علاقه باید به صورت حقیقی باشد نه کاذب و سطحی؛ یعنی احساسی که عقل بر آن حکومت کند. و لذا قرآن کریم در مورد اجرای حدود الهی بر زن و مرد زناکار تصریح می کند که «لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ»؛ (۲۵) «نباید در اجرای دین خدا بر این دو [زن و مرد زناکار] شما را ترخمی بگیرد.» چون جای ترخم نیست. حال آنجا که این جرم در خلوت صورت گیرد و بازتاب اجتماعی نداشته باشد، اسلام موضوع را به قیامت واگذار کرده است. ولی آنجا که بازتاب اجتماعی داشته باشد، حدود و تعزیرات را بر اساس یک سری اهداف و با رعایت شرایطی وضع کرده است؛ زیرا در اثر گناه یک فرد و اشاعه آن در جامعه، اجتماع یک قدم به پرتگاه نزدیک تر می شود. همانند ویروسی که یک فرد می سازد و در شبکه های کامپیوتری رها می کند و موجب خسارت های بسیاری می شود. در اینجا قانون گذار باید وارد عمل شود و مجازات های مناسب با آن جرم را اعمال نماید که کوتاهی و تسامح در این موارد، ضربه های جبران ناپذیری را بر پیکره اجتماع وارد می کند. بنابراین به این نتیجه می رسیم که: اولاً: هر مجازات جایگزین دیگری هم می تواند مورد سؤال واقع شود و معلوم نیست تبعات آن ها کمتر از آنچه فعلاً وجود دارد باشد. زندان و یا جریمه که به عنوان مجازات جایگزین مطرح شده، می توانند عوارض بدتری برای جامعه فراهم کنند، ضمن آن که راه برای چنین تعزیراتی از سوی حکومت اسلامی باز است. ثانیاً: احکام جزایی، صرفاً منشأ قراردادی ندارد بلکه ناشی از مصالح واقعیه است و تبدیل دل بخواهی آن ها با این ایده تطابق دارد که صرفاً آن ها را قراردادی بدانیم. ثالثاً: این احکام به عنوان اولیه وضع شده اند و آنجا که مصلحت چیز دیگری را اقتضا کند تغییراتی ایجاد خواهد شد. رابعاً: در این مجازات ها اثرات بسیار چشم گیری است که در هیچ نوع دیگری از آن ها یافت نمی شود. اگر مجازات های دزدی آن هم با شرط های نادری که در فقه آمده است در جای خودش اجرا گردد و دزد مطمئن شود که در صورت ارتکاب به این عمل، انگشتان او برای همیشه قطع

می‌گردد و در جامعه نیز انگشت‌نما خواهد شد، هرگز به سراغ این عمل ناپسند نخواهد رفت.

مجازات و کرامت انسان

برخی می‌گویند: مجازات، خشونتی است که با کرامت انسان مغایر است! ولی در جواب آن‌ها می‌گوییم: هر انسانی از کرامت ذاتی برخوردار است و خود مسئول حفظ کرامت خود است. و لذا نباید به حقوق دیگران تجاوز کند. حال اگر به وظیفه خود عمل نکرد و همانند حیوان، حقوق دیگران را پایمال نمود، آیا مجازات او با کرامت انسانی تنافی دارد؟ او خود کرامت خویش را حفظ نکرده و این مجازات نیز نتیجه عملی است که دو اثر داشته است: یکی تجاوز به حقوق دیگران، و دیگری از بین بردن کرامت خویش. در قرآن کریم مثل این افراد را همانند حیوانی قرار داده که تنها با محدود کردن آن‌ها می‌توان از اجحاف هایشان در امان ماند، و اصولاً شلاق و سایر مجازات‌ها نیز برای همین افراد وضع شده است. (۲۶) عبدالقادر عوده می‌گوید: «مجازات تازیانه در مورد کسی که خود حرمت انسانی خویش را رعایت نکرده است، موجب کسر شرافت او نمی‌گردد». (۲۷)

۲ - خشونت در کشف جرم (شکنجه)

اگرچه حتمیت در کشف و تعقیب جرایم تأثیر بسزایی در کاهش جرم دارد، اما نمی‌توان خشونت در این مرحله را مجازات شمرد. دستگاه‌های تعقیب کننده با مجهز شدن به دانش‌های روز و نیروهای کارآموده و با ضریب هوشی بالا باید طوری عمل کنند که از حيله‌ها و راه‌های فرار مجرمین از چنگال عدالت عقب نمانند. در مقررات اسلامی، همواره بر ممنوعیت شکنجه و باطل بودن اقراری که از این طریق حاصل شود، تأکید شده است. اصل «برائت» در حقوق جزایی اسلامی و معین بودن ادله اثبات دعوی در سیستم حقوقی اسلام، حاکی از اهمیت این امر از دیدگاه اسلام است. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی در تأکید بر ممنوعیت این نوع خشونت می‌گوید: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع، ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون، مجازات می‌شود». بنابراین، سیاست کیفری اسلام، توسل به اقدام خشونت بار در مرحله تعقیب و کشف جرایم را ممنوع کرده و فرار مجرم از مجازات را بر مجازات و شکنجه بی‌گناهان ترجیح داده است.

۳ - جرایم اجتماعی

جرم، یکی از مصادیق بارز خشونت در جامعه است. بروز بزهکاری، امنیت و آسایش را از جامعه سلب نموده و در مردم ایجاد هراس می‌کند. آیا این که چه واکنشی در برابر جرم باید داشت؟ دیدگاه‌های مختلفی است، آیا از بین بردن علل و عوامل جرم‌زا کافی است؟ آیا عوامل جرم‌زا قابل شناسایی و محصورند تا با از بین بردن آن‌ها بزهکاری ریشه‌کن شده و نیازی به اقدامات کیفری نباشد؟ آیا از بین بردن زمینه‌های ارتکاب بزه، ما را از واکنش همراه با خشونت مستغنی می‌کند؟ در برخورد با جرایم افراد و واکنش مناسب با خشونت و بزهکاری، «مصلحت» نیز می‌بایست مد نظر باشد. جامعه نباید مصالح اجتماعی را فدای مصالح فردی کند. اگر مسیر جامعه به سمت سعادت و کمال باشد و مصالح جامعه مد نظر قرار گیرد، قطعاً مصلحت جامعه، همان جامع مصلحت افراد است. و لذا سلب برخی آزادی‌های فردی و ایجاد برخی محدودیت‌ها برای افراد در جهت حفظ سلامت جامعه‌ای که متعلق به افراد است، اجتناب ناپذیر می‌باشد.

۴ - انحرافات اجتماعی

بسیاری از اعمال ممکن است تحت عنوان «خشونت» قرار گیرد و لذا واکنش علیه آنها ضروری است؛ زیرا ایجاد ناامنی و وحشت در جامعه می‌کنند که منشأ بروز جرایم شدیدتری است. برای مثال نوشیدن مشروبات الکلی منشأ بروز بسیاری از قتلها و ضرب و جرح‌ها است. در بررسی ۶۰ زن قربانی ضرب و شتم، ثابت شده که استعمال الکل در ۹۳ درصد این وقایع نقش بسزایی داشته است. در بررسی دیگری الکلیم به عنوان حلقه زنجیره خشونت در ۴۰ درصد موارد در نظر گرفته شده است. بنابراین استعمال مشروبات الکلی و تظاهر مستانه، موجب ایجاد ترس و خوف گردیده، بعلاوه عامل مهم در ازدیاد خشونت است. رباخواری، قمار و بسیاری از اعمال انحرافی جنسی و اعمال منافی عفت، معضلاتی هستند که جامعه را تباه کرده و منشأ بسیاری از خشونت‌ها و انحرافات دیگر می‌باشند. در مقررات اسلامی این گونه اعمال مورد مذمت قرار گرفته و با آنها شدیداً برخورد شده است.

مبارزه ریشه‌ای با جرم و انحراف

مبارزه ریشه‌ای با جرم و انحراف

اسلام راه‌های معقولی را برای ریشه کن کردن خشونت از افراد و اجتماع ذکر کرده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - تجدید هویت دینی

اسلام، آیینی است که به رفع نیازمندی‌های واقعی و فطری انسان می‌پردازد، و رفع این نیازمندی‌ها که برنامه‌های تربیتی عالی را برای مؤمنین در بر دارد، عاملی قوی در جلوگیری از بزهکاری و جرم و انحراف است. لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لایزنی الزانی اذا یزنی و هو مؤمن، و لایسرق السارق حین یسرق و هو مؤمن. و لایشرب الخمر حین یشربها و هو مؤمن»؛ (۲۸) «زانی هنگامی که زنا می‌کند مؤمن نیست. و دزد هنگامی که دزدی می‌کند مؤمن نیست. و شارب خمر هنگامی که شرب خمر می‌کند مؤمن نیست.» انسان اهل معنویت و تدبیر، همیشه خود را در محضر خدا می‌بیند و وظایف خود را بدون لزوم نظارت کسی انجام می‌دهد. و اعتقاد به معاد و حساب و کتاب و حضور در پیشگاه خدا، مانعی عظیم برای جلوگیری از انحرافات او است.

۲ - اصلاح محیط

نقش محیط در اصلاح انسان یا انحراف او بسیار قابل ملاحظه است. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مصاحبه الصالحین داعیه الی الاصلاح»؛ (۲۹) «همنشینی با صالحان انسان را به اصلاح نفس خود دعوت می‌کند.» و نیز از حضرت نقل شده که فرمود: «الناس بأمرائهم اشته منهم بأبائهم»؛ (۳۰) «مردم به امیران خود شبیه ترند تا به پدران خود.»

۳ - رفع فاصله طبقاتی

فقر و غنای بیش از حد، هر دو از عوامل جرم به شمار می‌آیند؛ زیرا فاصله طبقاتی باعث می‌شود که اهل زور و زر برای حفظ موقعیت خود دست به ارتکاب جرایمی بزنند و در مقابل، فقر نیز باعث می‌شود عده‌ای انتقام جویانه مرتکب خشونت‌هایی شوند. حضرت علی علیه السلام در سفارشی به مالک اشتر می‌فرماید: «ثم أسبغ علیهم الأرزاق، فان ذلك قوة لهم علی استصلاح انفسهم و غنی لهم عن تناول ما تحت ایدیهم و حجة علیهم ان خالفوا امرک»؛ (۳۱) «به کارگزاران حقوق مکفی برسان تا به آنان در اصلاح نفس خود کمک کند و از دست درازی به اموال مردم که در اختیارشان هست بی‌نیاز سازد. این امر، اتمام حجتی بر آنان است در صورتی که با امر تو مخالفت کردند.»

۴- تحکیم نظام خانواده

یکی دیگر از عوامل بروز و ظهور جرم و خشونت «بحران در نظام خانواده» است. و لذا ثبات و پایداری خانواده و تربیت فرزندان که آینده ساز یک جامعه سالم باشند تأثیر بسزایی در کاهش جرم و خشونت دارد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ (۳۲) «ای اهل ایمان! خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید.» خداوند متعال در این آیه نتیجه را از انسان خواسته که همان نجات خود و خانواده از آتش دوزخ است، حال به هر وسیله که ممکن و مشروع باشد، باید انسان از انحرافات و کژی‌ها نجات یابد.

۵- پیشگیری وضعی

روش دیگری که برای جلوگیری از بروز خشونت و ظلم و جرم مطرح شده پیشگیری وضعی است. به این که قانونی وضع شود که بتواند از این که فکر مجرمانه به منصفه ظهور و فعلیت برسد، جلوگیری کند. از جمله مواردی که در قرآن کریم به آن اشاره کرده، توصیه به طلبکاران، مبنی بر گرفتن سند یا گواه هنگام پرداخت وجه یا مال به دیگران است. خداوند متعال می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ... وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ»؛ (۳۳) «ای اهل ایمان! هنگامی که مالی را تا زمان معینی قرض می‌دهید بنویسید ... و دو نفر شاهد مرد [بر آن بگیرید].» ... این تدابیر همگی برای جلوگیری از ظهور و بروز جرم است.

۶- پیش بینی مجازات

یکی دیگر از راه‌های جلوگیری از وقوع جرم در جامعه، پیش‌بینی و قرار دادن مجازات‌های مختلف برای اعمال ناشایست است تا بتواند انسان را ترسانده و از وقوع جرم جلوگیری کند. گرچه این قوانین به حدی نیست که بتواند اختیار انسان را سلب نماید.

نمودهای رحمت الهی در مجازات‌ها

نمودهای رحمت الهی در مجازات‌ها

با مراجعه به موارد مجازات‌های اسلامی مشاهده می‌کنیم که اسلام در عین آن که مجازات‌های سختی را به جهت اصلاح فرد و جامعه و پیشگیری از وقوع جرم قرار داده، ولی در عین حال نمونه‌هایی از رحمت الهی را نیز در آن ملاحظه کرده است. اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- قاعده «دفع حدود به شبهه»

از جمله قواعدی که بیانگر روح رحمت الهی و گذشت نسبت به افراد خاطی در این دنیا می‌باشد، قاعده «دفع حدود به خاطر شبهه» است. قاضی در صورتی می‌تواند حدود را جاری سازد که هیچ نوع احتمال دیگری در بین نباشد. بنابراین هر گاه متهم ادعای جهل، فراموشی، و ... بکند، چنانچه از نظر عقلا و عرف جامعه اسلامی این ادعا موجه باشد، حکم الهی درباره او جاری نخواهد شد. این قاعده که کاربرد فقهی وسیعی در زمینه مجازات‌ها دارد نشانگر لطف الهی نیز هست.

۲- احراز شرایط حدود

اجرای حدود الهی منوط به تحقق شرایط آن است؛ به عنوان مثال: خداوند متعال برای اجرای حدّ سرقت بیش از بیست شرط قرار داده است. مثلاً سارق نباید از روی اضطرار و یا در سال قحطی دست به این اقدام زده باشد و ... فقدان هر یک از شروط مانع از اجرای حدّ سرقت است.

۳ - پذیرش توبه

نقش داشتن توبه در سقوط حدود، شاهد دیگری از رحمت بی‌پایان الهی است. توبه به عنوان عملی که در ضمیر شخص می‌تواند تحقق یابد و یکسری نمودهای بیرونی داشته باشد، بهترین وسیله برای سقوط مجازات‌های الهی است.

خشونت‌ها و مدارات‌های نیک

خشونت‌ها و مدارات‌های نیک

کلمه «خشونت» و «مدارات» از امور نسبی هستند و لذا نمی‌توان آن‌ها را فی نفسه خوب دانست. متغیرها و عواملی چون معنا، فاعل، متعلق، انگیزه، هدف، میزان، وسیله، ظرف و شرایط، قطعاً در تعیین حسن و قبح خشونت و مدارات دخیل است، و بدون توجه به این عناصر هشت گانه، خشونت و مدارات نه تحقق پذیرند و نه تحلیل بردار. لذا هر کس بپرسد: خشونت و مدارات قبیحند یا حسن، زشتند یا زیبا؟ باید از او بپرسیم: کدامین خشونت و مدارات.

الف) خشونت‌های نیک

خشونت‌های حسن و نیک را می‌توان در مواردی خلاصه کرد: ۱ - خشونت به معنای قاطعیت و سرسختی در اجرای قانون و سختگیری در تحقق عدالت و صلابت در دفاع از حق، که امام علی علیه السلام مصداق بارز آن بود. ۲ - خشونت قانونی و سختگیری طبق قانون؛ زیرا اگر چنین نباشد نظم در جامعه پدید نمی‌آید و در نتیجه حقوق آحاد و جوامع انسانی تضییع خواهد شد. و لذا قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ (۳۴) «و هر کس از حدود الهی تجاوز کند از ستمکاران خواهد بود.» ۳ - خشونت از سوی مقام مسؤول؛ زیرا دخالت نابجا و بی‌جواز از عناصر غیر مسؤول در ایجاد خشونت، نظم و امنیت عمومی را به مخاطره می‌اندازد. ۴ - خشونت رحمانی؛ زیرا خشونت از سوی خالق رحمان و مربی غمگسار، از آن جهت که به انگیزه تربیت و با هدف تکامل بخشی و طبعاً از سر مهر است، کاری ارزشی است. ۵ - خشونت در قبال دشمنان و حق ستیزان و تعدی گران به حقوق مردم، آن گونه که قرآن می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ (۳۵) «محمد فرستاده خداست، و کسانی که با او همراهند با کفر پیشگان سخت گیر و سرسختند و در میان خویش بسی نرم دل و مهربان‌اند.» ۶ - خشونت در برابر زورگویان و ستم کیشان، آن گونه که امام علی علیه السلام خطاب به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً»؛ (۳۶) «خصم ستم کیش و یار ستم کش باشید.» ۷ - خشونت بازدارنده از نظر شرع ضرورت دارد، قرآن در این باره می‌فرماید: «فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ»؛ (۳۷) «پس اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد.» ۸ - خشونت علیه خائنان و فتنه‌گران. خوارج، چهره در چهره امام علی علیه السلام می‌ایستادند و در حالی که هزاران مؤمن به حضرت اقتدا کرده بودند بر ضد او شعار می‌دادند. حضرت در ابتدا اجازه نمی‌داد کسی متعرض آن‌ها شود، اما وقتی کار آن‌ها به خشونت و خیانت رسید و دست به شمشیر بردند و به اقدام عملی بر ضد امام علی علیه السلام انجامید و جنگ نهروان برپا شد، حضرت با آنان شدیداً برخورد کرد. و

تنها جایی که پس از غلبه بر دشمن آشکارا حضرت بدان مباحات کرد اینجا بود، که فرمود: «ایها الناس! فانی فقات عین الفتنة»... (۳۸) «ای مردم! من چشم فتنه را از حدقه بیرون آوردم». ۹ - خشونت با رهبران کفر و ظلم به جهت ریشه کن کردن ظلم و ظلمت، آن گونه که خداوند می فرماید: «فَقَاتِلُوا أَلَمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ»؛ (۳۹) «با پیشوایان کفر پیکار کنید، چرا که آن‌ها پیمانی ندارند، شاید [با شدت عمل] دست بردارند». ۱۰ - خشونت برای اهداف برین انسانی و احقاق حق و استقرار عدالت، و لذا خداوند متعال می فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلِيهَا»؛ (... ۴۰) «چرا در راه خدا، و [در راه] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند پیکار نمی کنید؟! همان افراد [ستم‌دیده ای] که می گویند: پروردگارا! ما را از این شهر [مکه] که اهلش ستمگرند، بیرون ببر.» ۱۱ - خشونت و قاطعیت و سرسختی و سازش ناپذیری در دفاع از دین، آن گونه که خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»؛ (... ۴۱) «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آن‌ها سخت بگیر!» ۱۲ - خشونت در دفاع از منافع ملی و حراست از مصالح بشریت، و لذا خداوند متعال می فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً»؛ (... ۴۲) «و با آن‌ها پیکار کنید، تا فتنه [و بت پرستی، و سلب آزادی مردم] باقی نماند». ... ۱۳ - خشونت در برابر خشونت، آنجا که قرآن کریم می فرماید: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»؛ (۴۳) «و [به طور کلی] هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن با او مقابله کنید.» زیرا گاهی خشونت را جز به خشونت نمی توان برانداخت. از حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه روایت شده که فرمود: «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ»؛ (۴۴) «سنگ را به همان سمت که دشمن پرتاب کرده برگردانید که شر جز به شر زدوده نمی شود.» ۱۴ - خشونت به عنوان واپسین چاره در برابر قضایا و بلایا، همان گونه که رفتار پیامبر و امامان اهل بیت علیهم السلام این چنین بوده که صبر کرده و سماحت می ورزیدند و تا ناچار نمی شدند خشم نمی گرفتند و خشونت نمی کردند.

ب) مدارات های نیک

اگر پرسیده شده در چشم انداز اسلام کدامین مدارات نیک است می گوئیم: ۱ - مدارات و تسامح به معنای تحمیل عقاید رقیب، در عین باورمندی و پابندی به حقایق اعتقادات خود. و به تعبیری: سعه صدر علمی و گشودن فضای تعامل و تعاطی افکار و انظار. خداوند متعال در این باره می فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛ (۴۵) «[به معبود] کسانی که غیر از خدا را می خوانند، دشنام ندهید، مبدا آن‌ها [نیز] از روی [ظلم و جهل، خدا را دشنام بدهند.» و نیز می فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»؛ (۴۶) «پس بندگان مرا بشارت ده. همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می کنند.» اگر طرح و تبیین منطقی و علمی آرا و افکار، مجاز نباشد نوبت به گزینش نمی رسد، لذا خداوند در پایان آیه این دسته را از خردمندان نامیده است. ۲ - مدارات و مماشات، برای تدبیر مناسبات اجتماعی توسط زمامداران؛ زیرا با تحکم و تک صدایی کار جامعه به سامان نمی رسد. ۳ - مدارا برای شنیدن حق. قرآن می فرماید: اگر در گرما گرم جنگ، یک نفر مشرک امان خواست باید به او پناه دهی تا در امنیت و آرامش کامل بیاید و کلام خدا را بشنود، اگر خواست بپذیرد و مسلمان شود، اما اگر نپذیرفت با تأمین جانی او را به جبهه کفار برسان. خداوند متعال می فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (۴۷) «و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود [و در آن بیندیشد] سپس او را به محل امنش برسان چرا که آن‌ها گروهی نا آگاهند.» قانونی مترقی تر از این در هیچ مکتب و ملتی در زمینه قوانین جنگی و آزادی اندیشه وجود ندارد. ۴ - مدارا و مسامحه به عنوان استراتژی دائم و استثنا پذیر، نه این که تنها در مواقعی که به نفع ما باشد. ۵ - مدارات و مماشات در چارچوب شرع و در سایه اخلاق و قانون، که می تواند به تحکیم شریعت و بالا بردن سطح فرهنگی جامعه و محکم کردن پایه‌های قانون گذاری و توسعه قانون گرایی کمک می کند. ۶ - مدارا و مسامحه در برابر

دوستان، آنجا که می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ (۴۸) «محمد فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.» ۷ - مدارات با خطا کاران، آنجا که می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»؛ (۴۹) «[به هر حال] با آن‌ها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی‌ها دعوت نما، و از جاهلان روی برگردان [و با آنان ستیز مکن].» و نیز می‌فرماید: «فَإِنْ اعْتَرَفُواكُمْ فَلَمْ يِقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا»؛ (۵۰) «پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار نمودند [بلکه] پیشنهاد صلح دادند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آن‌ها شوید.»

قتل فرزند توسط پدر

قتل فرزند توسط پدر

در فقه اسلامی آمده است که اگر پدری فرزند خود را بکشد قصاص نخواهد شد. اشکال شده که این حکم به منزله اجازه قانونی برای اعمال خشونت در قبال کودکان است. درباره این اشکال می‌گوییم: آری، اصل این حکم صحیح است. محقق در «شرایع الاسلام» می‌فرماید: «سومین شرط (از شرایط قصاص) این است که قاتل، پدر نباشد و در این صورت، پدر کشته نخواهد شد و باید کفاره و دیه پردازد و حاکم او را تعزیر می‌نماید. و هیچ کس با این حکم مخالفت نکرده است.» (۵۱) مرحوم صاحب جواهر در توضیح سخن مرحوم محقق ابتدا به احادیثی چند از امامان معصوم علیهم السلام تمسک کرده و در ادامه می‌فرماید: «علاوه بر احادیثی که ذکر شد که از آن‌ها یقین به حکم حاصل می‌شود... البته کفاره‌ای که باید پردازد کفاره جمع است.» (۵۲) بر همین اساس، در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه به ورثه مقتول و نیز به تعزیر محکوم خواهد شد.» در توجیه این حکم به نکاتی چند اشاره می‌کنیم:

۱ - مجازات، عامل بازدارنده

یکی از ویژگی‌های مجازات خوب این است که در حدّ ممکن بازدارنده باشد. از این رو مجازات مؤثری که برای قتل عمد می‌توان در نظر گرفت همان قصاص است که بهترین عامل بازدارنده قتل عمد در جامعه است. ولی درباره بازداشتن پدر نسبت به قتل فرزند باید گفت: پدر بیشترین علاقه و دلبستگی، مهر و عطوفت را به فرزند خود دارد، و این امر بهترین عامل بازدارنده از کشتن فرزند است، و نیازی نیست که برای او مجازات‌های سنگین وضع گردد تا موجب عبرت پدران دیگر گردد؛ زیرا علاقه و محبت پدر به فرزند خود عامل بسیار قوی و نیرومندی برای کاهش آمار این جنایات هولناک در جامعه است. لذا آمار قتل فرزند نسبت به کلّ قتل‌هایی که در جامعه اتفاق می‌افتد بسیار اندک و ناچیز است.

۲ - جبران کنندگی بدون مجازات

یکی دیگر از ویژگی‌های یک مجازات خوب این است که تا حدّ ممکن، صدمات و زیان‌هایی را که بر اثر آن جنایت به دیگران وارد شده، جبران نماید. از این نظر قصاص بهترین مجازات برای قتل عمد است؛ زیرا در حدّ ممکن از فشارهای روحی و غم و اندوه بستگان مقتول می‌کاهد و خاطر آنان را تسلی می‌دهد. ولی در قصاص و کشتن پدری که بر اثر فوران شعله‌های آتش خشم در وجودش اقدام به کشتن فرزند خود کرده نه تنها موجب تسلی خاطر خانواده مقتول نخواهد شد، بلکه داغ دیگری را بر مصیبت آن‌ها خواهد افزود. آری، حکومت اگر مصلحت بداند می‌تواند جدای از حقّ قصاص اولیای دم، مجازات سنگینی حتی اعدام را

برای او مقرر کند.

۳ - موقعیت پدر

یکی از عواملی که در مسأله قتل فرزند به دست پدر مطرح است، مسأله حرمت پدر است و شاید تخفیف مجازات‌های او نیز به همین جهت باشد. اسلام برای حفظ کانون گرم خانواده که رکن اساسی آن پدر است اهمیت فراوانی قائل است و لذا می‌توان به جهت حفظ این موقعیت بر سایر اعضای خانواده از این تشکیلات استفاده کرده و در سایه آن به زندگی گرم خود ادامه دهند، اسلام تخفیف ویژه‌ای برای پدر قاتل فرزند قرار داده است.

۴ - خداوند، سعادت انسان را می‌داند

هیچ یک از مطالبی که گفته شد نمی‌تواند به طور قطع و یقین علت این حکم باشد؛ زیرا بر اساس جهان بینی اسلامی، تنها خداست که می‌تواند همه اجزای برنامه سعادت انسان را تنظیم کند. در تشریح هر حکم و قانونی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان، هزاران عامل و پارامتر دخالت دارد که احاطه کامل به همه این عوامل و محاسبه دقیق آن‌ها و مقایسه آن‌ها از حیثه قدرت و توان انسان خارج است.

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه‌ای ۲ قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه‌ای ۳ قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه‌ای ۴ قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه‌ای ۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۶ صحیفه سجاده و ویرایش حسین وزیری / الهی قمشه‌ای ۷ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدس جمکران ۸ کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه‌ای ۹ منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه‌ای ۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه‌ای ۱۱ ارتباط با خدا و احد تحقیقات ۱۲ آشنایی با چهارده معصوم (۲۰۱) / شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی ۱۳ آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۴ آخرین پناه محمود ترحمی ۱۵ آخرین خورشید پیدا و احد تحقیقات ۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) و احد پژوهش ۱۸ از زلال ولایت و احد تحقیقات ۱۹ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۰ امامت، غیبت، ظهور و احد پژوهش ۲۱ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / و احد تحقیقات ۲۲ امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۳ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۴ انتظار بهار و باران و احد تحقیقات ۲۵ انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری ۲۶ اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۲۷ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی ۲۸ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی ۲۹ بهتر از بهار / کودک شمس (فاطمه) وفائی ۳۰ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی ۳۱ پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۳۲ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۳۳ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۳۴ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) و احد تحقیقات ۳۵ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۳۶ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۳۷ جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور ۳۸ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۳۹ چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد ۴۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۴۱

حکمت‌های جاوید محمد حسین فهیم‌نیا ۴۲ ختم سوره‌های یس و واقعه واحد پژوهش ۴۳ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۴۴ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۴۵ خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه) ۴۶ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۴۷ داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد ۴۸ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۴۹ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۵۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره‌ای ۵۱ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی ۵۲ دین و آزادی محمد حسین فهیم‌نیا ۵۳ رجعت احمد علی طاهری ورسی ۵۴ رسول ترک محمد حسن سیف‌اللهی ۵۵ روزنه‌هایی از عالم غیب سید محسن خرازی ۵۶ زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات ۵۷ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۵۸ سرود انار الهه بهشتی ۵۹ سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری ۶۰ سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۶۱ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۶۲ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد‌اللهی ۶۳ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه) ۶۴ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه) محمد حسین نائجی ۶۵ شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح ۶۶ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی ۶۷ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۶۸ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد ۶۹ عطر سبب حامد حجتی ۷۰ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی ۷۱ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۷۲ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۷۳ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۷۴ غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی ۷۵ فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی ۷۶ فدک ذوالفقار فاطمه‌علیها السلام سید محمد واحدی ۷۷ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی ۷۸ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۷۹ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۸۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (پخش) حسن صدری ۸۱ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۸۲ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۸۳ کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۸۴ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان ۸۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی ۸۶ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی) ۸۷ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی ۸۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی ۸۹ مشکاة الانوار علامه مجلسی رحمه الله ۹۰ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۹۱ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی ۹۲ منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۹۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۹۴ منشور نینوا مجید حیدری فر ۹۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۹۶ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری ۹۷ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۹۸ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه‌ای ۹۹ مهر بیکران محمد حسن شاه‌آبادی ۱۰۰ مهربان‌تر از مادر / نوجوان حسن محمودی ۱۰۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۱۰۲ ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات ۱۰۳ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۰۴ نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۰۵ نشانه‌های ظهور او محمد خادمی شیرازی ۱۰۶ نشانه‌های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده ۱۰۷ ندای ولایت بنیاد غدیر ۱۰۸ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران ۱۰۹ نهج البلاغه (وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله / محمد دشتی ۱۱۰ نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام محمد رضا اکبری ۱۱۱ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۱۱۲ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۱۳ وظایف منتظران واحد تحقیقات ۱۱۴ ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۱۱۵ هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۱۱۶ همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی ۱۱۷ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۱۸ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجتی ۱۱۹ ینابیع الحکمة / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی: قم - صندوق پستی

۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید. کتاب‌های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می‌گردد. سایر نمایندگی‌های فروش: تهران: ۰۸۳۹۳۹۰۶۶۹، ۰۶۹۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱ یزد: ۰۶۲۴۶۴۸۹، ۰۶۲۸۰۶۷۱ - ۰۳۵۱ فریدون کار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

پی نوشت ها

(۱) فرهنگ کامل انگلیسی، فارسی، دکتر عباس آریان پور، ج ۵، ص ۵۷۰۹؛ فرهنگ علوم سیاسی، شاملو احمدی، ص ۵۶۳. (۲) بزهکاری بین‌المللی، آندرو بوسا، ترجمه نگار رخشایی، ص ۲۰. (۳) فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، ج ۱، ص ۱۳۸۰. (۴) الإرهاب، مصطفی مصباح، ص ۴۴. (۵) فرهنگ علوم سیاسی، علی آقا بخشی، ص ۵۶۳. (۶) تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۹؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۲۶؛ سیره حلبی، ج ۴، ص ۳۹۷؛ الرياض النضره، ج ۱، ص ۱۶۸. (۷) انساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۸۹؛ عقد الفرید، ج ۳، ص ۶۴ - ۶۵. (۸) نهاییه ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۰۹. (۹) فروع کافی، ج ۵، ص ۲۷. (۱۰) فروع کافی، ج ۵، ص ۲۷. (۱۱) تذکره الخواص، ص ۹۱. (۱۲) تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۱۴؛ کافی، ج ۷، ص ۳۷۵. (۱۳) معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۲۴۲ و ۲۴۳. (۱۴) الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۴۶۱ - ۴۶۲. (۱۵) سوره انفال، آیه ۶۰. (۱۶) وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب جهاد العدو، ح ۱. (۱۷) تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۰۸؛ المغازی، واقدی، ج ۱، ص ۱۷۴ - ۱۷۵. (۱۸) تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۰۶ - ۴۰۷؛ المغازی، واقدی، ج ۱، ص ۱۷۲. (۱۹) سیره ابن اسحاق، ص ۳۱۷؛ البدايه و النهايه، ج ۴، ص ۴؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۷۸ و ... (۲۰) البدايه و النهايه، ج ۴، ص ۶. (۲۱) الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۳؛ المغازی، واقدی، ج ۱، ص ۱۹۲ و ... (۲۲) لغت‌نامه دهخدا، ص ۵۹۳، حرف خ. (۲۳) حقوق جزای عمومی، دکتر باهری، ج ۲، ص ۲۷۶. (۲۴) زمينه حقوق جزای عمومی، دکتر نوربها، ص ۲۵۶. (۲۵) سوره نور، آیه ۲. (۲۶) سوره اعراف، آیه ۱۷۶. (۲۷) التشریح الجنائی الاسلامی، عبدالقادر عوده، ج ۱، ص ۶۴۰. (۲۸) وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۴؛ المحلّی، ابن حزم، ج ۱۱، ص ۱۱۹. (۲۹) کافی، ج ۱، ص ۲۰. (۳۰) تحف العقول، ص ۲۰۸. (۳۱) نهج البلاغه، نامه ۵۳. (۳۲) سوره تحریم، آیه ۶. (۳۳) سوره بقره، آیه ۲۸۲. (۳۴) سوره بقره، آیه ۲۲۹. (۳۵) سوره فتح، آیه ۲۹. (۳۶) نهج البلاغه، نامه ۴۷. (۳۷) سوره حجرات، آیه ۹. (۳۸) نهج البلاغه، خطبه ۹۳. (۳۹) سوره توبه، آیه ۱۲. (۴۰) سوره نساء، آیه ۷۵. (۴۱) سوره‌های توبه، آیه ۷۳؛ تحریم، آیه ۹. (۴۲) سوره بقره، آیه ۱۹۳. (۴۳) سوره بقره، آیه ۱۹۴. (۴۴) نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۱۴. (۴۵) سوره انعام، آیه ۱۰۸. (۴۶) سوره زمر، آیه ۱۸. (۴۷) سوره توبه، آیه ۶. (۴۸) سوره فتح، آیه ۲۹. (۴۹) سوره اعراف، آیه ۱۹۹. (۵۰) سوره نساء، آیه ۹۰. (۵۱) جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۱۶۹. (۵۲) همان.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری

شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه

می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

